

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم حاج آقا. ۱. از یک طرف شاهدیم که دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی، با پنهان کاری پیشرفت ها و برجسته کردن ضعف هایی مثل کاهش ارزش پول ملی و گرانی و... در صدد ناکارآمد جلوه دادن نظام اسلامی و انقلابی و در نتیجه ناامید کردن مردم از نظام و انقلاب هستند. ۲. از طرفی دیگر طرفدارانی از نظام با برجسته کردن پیشرفت ها و دستاوردهای متعددی در حوزه ها و شاخص های گوناگون جهانی، در صدد هستند که اثبات کنند اتفاقاً برعکس باید به خاطر پیشرفت های گوناگون شدیداً به آینده ایران و این نظام امیدوار بود. ۳. در این میان تفکر شگفت‌انگیزی هست که ما را متذکر باتلاق و وضعیت بی تاریخی و تلخ «توسعه نیافتگی» می کند. و گزارش می دهد که با وجود اینکه تمام میوه ها و مظاهر مدرنیته وارد ایران شده است لکن آن «روح تاریخی» که ارتباط ارگانیکی بین این مظاهر ایجاد کند، از اول وجود نداشته است. مثل اینکه از کنار هم قرار دادن و چسبانیدن اعضای منقطع و جدا شده ی یک موجود زنده بخواهند یک موجود زنده ی دارای روح ایجاد کنند، که البته محال است. ۴. در کنار موارد بالا، حضرتعالی ماورای دوگانه توسعه‌یافتگی و توسعه نیافتگی، بیشتر متذکر روح ساری و جاری و تاریخی و قدسی انقلاب اسلامی به عنوان جریانی توحیدی که متصل به گذشته و آینده توحیدی ماست هستید. از طریق روش شما جان مخاطب آنچنان در اتصال با حیات تاریخی و وقتِ قدسی و صراط مستقیم انقلاب قرار می گیرد که نه تنها از نظام و انقلاب طلبکار نیست بلکه برعکس اگر به فرض محال هیچ پیشرفت مادی هم در این نظام نبود، انسان باز هم حاضر است مثل شهدا همه چیزش را فدای این انقلاب کند تا از نسیم حیات بخش و نجات بخش انقلاب محروم نماند. استاد به نظر این حقیر اگر سه تفکر اخیر به همراه چاشنی نقادی نسبت به ضعف ها، به هم پوشانی برسند و مکمل همدیگر بشوند، آن پرواز تاریخی که برای عبور از موانع و فتنه ها نیاز داریم محقق می شود. نظر حضرتعالی چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم: همین‌طور است و در همین رابطه مباحث «انقلاب اسلامی» به عنوان جهان بین دو جهان مطرح شد. بنده با توجه به آگاهی نسبت به آنچه در شماره ۳ فرمودید و با توجه به سابقه فکری و اجرایی خود به این نتیجه رسیده‌ام که باید به جهانی فکر کرد که از یک طرف آن جهان، غرب شرق است و از طرف دیگر شرق غرب. و این است آن حضوری که انسان آخرالزمانی به دنبال آن است.

حضور تاریخی ما که در مواجهه با انقلاب اسلامی پیش آمد، حضوری که بی‌واسطه از هر استنباط ذهنی در نزد ما حاضر است و جهان ما را تشکیل می‌دهد و با توجه به این حضور، نسبتی خاص با موجودات برقرار می‌کنیم که آن حضور موجودات است در عالم ما و منِ انسان در مواجهه با این موجودات که در جهان او حاضر می‌شوند، شکل می‌گیرد. به همان معنایی که انسان آخرالزمانی می‌خواهد در جهان حاضر باشد بدون آن که حضور او حضور موجود غریبه‌ای باشد که در جهان تنها است.

انسان در حضوری که با هستی خود نزد خود می‌یابد دائماً از خویش فراتر می‌رود و هستی نامتعیّن‌اش رو به سوی فردا در صیروت است و رو به سوی آینده طرح‌افکنی می‌کند، در حضوری که لحظه به لحظه فراتر از خودش در خودش حاضر می‌شود و بر اساس انتخابی که می‌کند به خود هویت می‌بخشد و نسبت به هستی، تقرب می‌جوید، زیرا انسان با حقیقت هستی به حکم عین‌الربط بودن‌اش، نسبت دارد و جهت‌اش به سوی آن است.

موفق باشید